

شده دولت دارد، ولی با این وصف در اینجا این مسئله را بیشتر از دیدگاه عرضه آن به بازار مصرف مینگریم، و برای نیل به این منظور با برادر عاصمی پور مسئول و سرپرست سازمان غله به صحبت میشینیم، به امید آنکه گامی در جهت آگاهی مردم و در نتیجه حرکت سریعتر بسوی خودکفائی و تقلیل مصرف اینگونه کالاها برداشته باشیم.

داخلی انجام میگردد، و بعد از ورشکستگی کشاورزان ایرانی کم کم کشت آن متوقف و تولیدات آن کاهش میافتد و این عمل همچنان ادامه داشت تا اینکه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران برهبری امام انجام پذیرفت و سیاست دولت بر این پایه استوار شد که با تشویق کشاورزان، تولید این محصول دوباره از دیاد یابد. هر چند که صحبت از گندم در این مقال نمیگنجد و حل این مسئله بمرحله احیای سیاست دقیق و حساب

مسئله گندم، چند سالی است که گریبانگیر مردم ایران شده و هر سال که میگردد بنحو حادثتری جلوه میکند. این کالای حیاتی که بخش عمده ای از مصرف مردم جهان را تأمین میکند، بعنوان حربه ای در دست چپاولگران جهانی درآمد که توسط آن، در هر چه وابسته تر کردن کشورهایمانند ایران که خود زمانی از صادر کنندگان این کالا بودند، میکشیدند، این عمل با به رقابت گذاردن کالای خارجی را محسوس

## پیرامون گندم

### تولید، مصرف، واردات و عوارض سوبسید

از زبان برادر دکتر عاصمی پور مسئول سازمان غله

**اصولا کشت گندم بعنوان کالای اساسی و حیاتی مطرح است زیرا عمده ترین مصرف را در جهان داشته و یک کالای سیاسی در سطح جهان است و تولید کنندگان آن محدود به آمریکا و اقمارش میشود و ما استفاده آنان از گندم را بعنوان یک کالای سیاسی از اول جنگ مشاهده کردیم.**

در رابطه با سوالنان باید اشاره ای به سالهای گذشته داشته باشیم تا مقایسه آمار به مادی بدهد که موقعیتمان را بسنجیم.

سال	مقدار خرید گندم (هزار تن)
۵۷	۷۴۹
۵۸	۸۳۰
۵۹	۲۵۰
۶۰	۸۷۰
۶۱	۸۹۰
۶۲	۶۰۰

اما این تاریخ که فصل خرید گندم تمام شده این رقم نشان دهنده حرکت بی ثباتی از جنبه اطمینان از تولید است. البته خرید را سازمان تعاون روستایی و وزارت کشاورزی انجام میدهند و سازمان غله تحویل گیرنده است. به همین جهت باید علل کاهش را از آنان سوال نماییم.

مسئله این ارقامی است که برای سیفوهائی نان کشور تحویل داده و البته مفادیری نیز صرف درست کردن مواد غذایی مانند ماکارونی و انواع شیرینها میشود. ولی بهر حال ارقام، کاهش را نشان میدهد و میبایست که علت آنرا جستجو کنیم؛ زیرا همین

وضعیت کلی تولید و واردات کالاهای غذایی حیاتی مانند گندم چگونه است و ما چند درصد از کالاها را تولید و چند درصد را وارد میکنیم؟

ج: سازمان غله وظیفه تأمین گندم مورد نیاز نان کشور در سطح مردم شهرتسین را عهده دار است و از سال ۱۳۱۴ تأمین شده، در طول فعالیت خود با خرید گندم، مازاد را مصرف کشاورزان بصورت سیاستهای خرید تضمینی و همه مازاد آن از خارج از کشور شروع به تأمین نان مردم شهرتسین کرده است و تاکنون با ایجاد سیوف سعی کرده است ضربه پذیری را کاهش دهد و برای اینکه نان ارزان بدست مردم برسد با توجه به این که این کالا از کالاهای مورد استفاده عمده مردم است با پرداخت سوبسید سعی کرده است که قیمت نان را کنترل کرده و در سطح پائینی نگهدارد. وظیفه دیگر سازمان غله تنظیم بازار غله ایران است تا با ورود به موقع کالا به بازار بتواند از افزایش بی رویه قیمتها جلوگیری کند.

این شمائی کلی از سازمان غله بود که در حال حاضر در سطح کشور با حدود ۲۰ اداره کل و ۵۰ اداره در سطح شهرستانها و حدود ۴۰۰۰ نفر پرسنل این وظیفه خطیر را انجام میدهد.

کاهش موجب افزایش واردات شده و میزان وابستگی ما را افزایش داده است و باید مردم مابدانند که هر یک وعده نان که گندمش از خارج وارد میشود، باعث صرف چه زحماتی و هزینه هایی میگردد بنابراین بهمان وسعتی که درجهب های نظامی می رژیم باید درجهب های اقتصادی نیز درگیر شویم.

**\* با ایجاد تقویت  
شوراهای کشت منطقه ای  
وتدوین سیاستهای منطقه ای  
کشت و دادن امکانات به شوراهای  
وتعیین میزان تقاضا و قیمت  
گذاری محصولات میتوان تولید  
را بالا برد.**

س: در رابطه با کاهش واردات چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

ج: سازمان غله، سازمانی است که وظیفه اش تامین مصرف مردم است و باید ببینیم که علت کاهش خرید امسال چه بوده است؟ و اگر در کشت بوده است علت چیست؟ چه باید کرد کرد ناکشت گندم افزایش پیدا کند؟ بنظر من اصولا کشت گندم بعنوان کالای اساسی و حیاتی مطرح است زیرا اولاً عمده ترین مصرف را در جهان دارد ثانياً یک کالایی سیاسی در سطح جهان است و تولید کنندگان آن محدود به آمریکا، کانادا، استرالیا، آرژانتین و اقمار آنها میشوند و ما استفاده از گندم را بعنوان یک کالای سیاسی از اول جنگ مشاهده کردیم. بنابراین باید به گندم اولویت خاصی داد، باید کشت گندم اجباری باشد، و همچنین شوراهای کشت منطقه ای با دادن امکانات قسمتهایی از زمینها را زیر

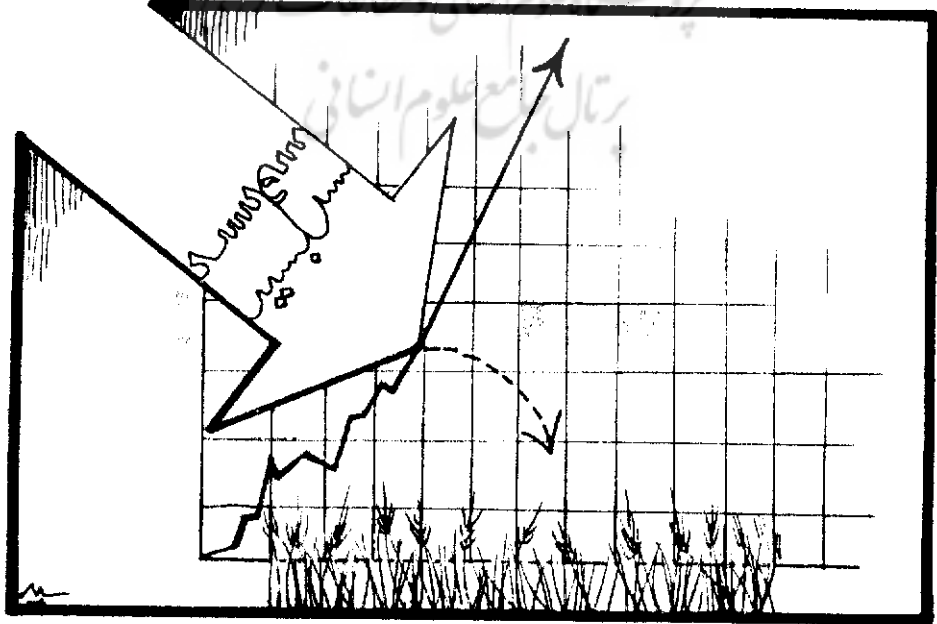
کشت گندم بپرند و بارسازیدن امکانات و تسهیلات و آب و بذر اصلاح شده کشاورز را برای کاشت گندم تشویق کنند.  
از موارد دیگر نرخ گذاری همه محصولات کشاورزی بطور همزمان و قبل از کشت میباشد زیرا قیمت هر کیلو گندم ۳۰ ریال است ولی نرخ صیفی جات نامحدود بوده و بنابراین کشاورز را بسمت کشت آنها سوق میدهد. برای مثال درمازندران هر چند زمینهای زیر کشت پنبه کاهش میافت ولی مبدل به محل کشت گندم نشد، بلکه مبدل به زمینهای کشت برنج و کالاهای غیر اساسی دیگر شد. به همین دلیل باید نرخ گذاری در مورد تمام محصولات کشاورزی انجام پذیرد و باید طوری باشد که کشاورز را بسوی گندم جذب کند. امسال ما با مشکل عظیم نبود بذر مواجه بودیم و مجبور به استفاده از ذخایر سیلوهایمان که مصرف مردم را تشکیل میدهد بجای بذر شدیم. سرمای زودرس و بارانهای بی موقع که باتوجه به دیمی بودن کشت در بعضی مناطق تاثیر بسزایی در کاهش تولید داشت در بعضی مناطق هم با بی توجهی به مسائل کیفی گندم و در نتیجه رنگ گندم و سن و سیاهک موجب از بین رفتن گندم شد. و از طرفی ندادن تسهیلات دولت به کشاورزان و اگر در خاطرتان باشد کمبود گندم در اوایل سال و بخصوص در ماه مبارک و یا بالا رفتن نرخ برنج نیز موجب ذخیره سازی بیشتر گندم روستائیان شد. بنابراین با ایجاد تقویت شوراهای کشت منطقه ای و تدوین سیاستهای منطقه ای کشت و دادن امکانات به شوراهای و تعیین میزان تقاضا و قیمت گذاری

محصولات میتوان تولید را بالا برد. بدین صورت که با دادن تسهیلات به شوراهای از طرف دولت میتوان در آخر سال محصول مورد نظر را از آنها خریداری کرد. و همچنین تنظیم قیمتها بطوری که یک رابطه ارگانیک و صحیح بین قیمت محصولات باشد و همچنین اگر قرار است که کنترلی صورت گیرد بر تمام محصولات باشد و سعی شود که اینگونه محصولات بازار آزادی پیدا نکنند و برای رسیدن به تمام این اهداف باید مسئله زمین و آب برای همیشه حل گردد.

س: بنظر شما تغییرات بین آمار تولید و واردات امروز با پیش از انقلاب چگونه بوده است؟  
ج: توجه به این آمار بدون توجه به افزایش

بقیه در صفحه ۶۸

**\* در حال حاضر ما یک ششم  
مصرف جامعه شهری را از داخل  
تهیه میکنیم که بعنوان کالای  
اساسی رقم بسیار پائینی است.**  
**\* امسال مصرف گندم  
کشور در حدود ۱ میلیون تن  
نسبت به سال ۵۸ افزایش پیدا  
کرده است.**



## قانون اساسی دستاوردی...

و امروز به عنوان ملاک و معیاری است برای اداره مملکت و کمکی برای مدعیان طرفداری از انقلاب و حکومت اسلامی و عمل به قانون چشم اندازی است برای مستضعفین جهان. چرا که بنام حجت الاسلام و المسلمین آقای خامنه‌ای رئیس جمهور «این قانون مخصوص ایران نیست و این قانون به درد همه انقلابهای جهان و همه کشورهای اسلامی می‌خورد». اگر این را بپذیریم که این قانون فقط مخصوص ما نیست و اگر بپذیریم که امروز مستضعفین جهان در انتظار تحقق عینی این قانون هستند، مسئولیت بسی سنگینتر خواهد شد. چرا که بی شک اگر ما نتوانیم با بهره جستن از این قانون مشکلات اجتماعی - اقتصادی سیاسی خود را حل کنیم، در عمل قانون اساسی را باین بست مواجه خواهیم کرد و این خود ضربه به قانون اساسی و ضربه به آن به منزله ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی است. نگاهی به روند حرکت ضدانقلاب در برخورد با قانون اساسی از ابتدا تشکیل مجلس خبرگان تا فرارندم و بعد از آن تأییدی است بر این مدعا که دشمن در صدد است تا ضمن ممانعت از اجرای قانون، زمینه‌های صدور انقلاب را مسدود

کند. ضد انقلابیون و عوامل داخلی استکبار جهانی و غرب زدگان در برابر تشکیل مجلس خبرگان شعار تشکیل مجلس مؤسسان را می‌دادند تا با استفاده از شیوه‌های دموکراسی غربی بتوانند عوامل خود را به مجلس فرستاده تا بدین ترتیب از تدوین قوانین اسلامی و انقلابی جلوگیری به عمل آورند و پایه‌های انحراف از اصول را از اصلی‌ترین مکان آغاز کنند. و بعد از آن منحرفین و منافقین فرارندم قانون اساسی را تحریم کردند.

و بعضاً مشروط و با گذاشتن اما و اگرهایی رأی می‌دادند و افرادی چون شریعتمداری و جریان‌های وابسته به آنها که بتازگی از کنج تقيه‌های عافیت طلبانه و سازشکارانه‌شان بدر آمده بودند قانون اساسی را اسلامی ندانسته و در نهایت به آن رأی ندادند.

سردمداران این جریانات امروز نیز درصددند تا با کار شکنی‌ها از اجرای آن جلوگیری به عمل آورند.

امروز جریانی که می‌خواهد قانون اساسی را مغایر و متفاوت با شرع مقدس اسلام جلوه دهد باید توجه داشته باشد که امت ما قانون اساسی را به مثابه میثاق اساسی خود با هیران واقعی خود دانسته و به آن رأی داده است. و شهیدان ما با خون خود

اصول آنرا ضمانت و امضاء کرده و در راه تحقق آن جان باخته‌اند و برجسته‌ترین فقهای زمان ما در تدوین و تنظیم آن نقش اساسی و تعیین کننده داشته‌اند و نادیده گرفتن قانون اساسی یعنی پشت پا زدن به تمام این مقدسات.

نکته دیگر که می‌بایست در حاکمیت قانون بدان توجه داشت مسئله ضابطین و مجریان قانون است که کم توجهی به آن منجر به عدم اجرای قانون برای همیشه می‌گردد به عبارت دیگر تنها کافی نیست تا ما قوانین خوبی داشته باشیم بلکه باید بین قانون و ضابطین و مجریان آن یک نوع هم‌سنخی وجود داشته باشد و الا قانون بدست مجریانش زنده بگور می‌شود.

فرضا برای تحقق بخشیدن به قوانین و احکام الهی و یا رسیدگی به امور مستضعفین نمی‌توان جهت اجرا قوانین را بدست مخالفین قانون لیبرال منش‌ها و سرمایه دارها و یا حامیان آنها سپرد.

بهرحال غرض آنست که باید با دقت و درایت و با رجوع به قانون اساسی و با اعتبار بخشیدن بیشتر به حضور مردم در صحنه و انتخاب مجریانی صدیق و آگاه مشکلات را حل نمایند و زمینه‌های تحقق اهداف ضد انقلاب را مسدود کنند. باشد که باوفاداری به اصول قانون اساسی و تعهد به اجرای آن پاسدار خون شهیدانمان باشیم.

## پیرامون گندم...

تعهدات ماملفی نیست. در جمهوری اسلامی میزان گسترش خدمات خیلی زیاد شده است و ارائه این خدمات احتیاج به زحمت و تلاش زیادی دارد، امسال در حدود یک میلیون تن مصرف مانتبست به سال ۵۸ افزایش پیدا کرده است. و چون مصرف بالا رفته و جمعیت زیاد شده است بنابراین برای جبران آن باید واردات هم ازدیاد یابد. پس باید هرچه سریعتر درجهت خودکفایی گندم با هر قیمت اقدام کنیم حتی اگر منجر به کاهش کنت بعضی از محصولات گردد. درحال حاضر ما یک ششم مصرف جامعه شهری را از داخل تهیه می‌کنیم که بعنوان کالای اساسی رقم بسیار پایینی است. لذا هر چند که میزان خرید گندم ما از کشتار و زان بالا رفته است ولی در عوض میزان واردات ما بر اثر پس پیدا کرده است. دلیل همان تعهداتی که ما برای تأمین نان داریم

و ما نمیتوانیم این مقدار گندم را وارد کنیم، چرا که باید سراغ همان کشورهای برویم که شعار مرگ برایشان می‌فرستیم.

نباید فراموش کنیم که مادرانقلاب شعارهای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی دادیم. شعارهایی که مفاهیم عظیمی دارد، مثلاً برای اینکه استقلال را تحقق بدهیم باید تلاش کنیم و بانی همه چیز از جمله جنگ، محدودیتهای اقتصادی، بسته شدند تنگه هرگز نبایستیم و تدارکات وسیعی را فراهم کنیم.

باید داستان حضرت یوسف را بیاد بیاوریم و برای هفت سال ذخیره سازی کنیم تا بتوانیم شعار ادامه نهضت تا انقلاب مهدی را تحقق بدهیم. برای اینکه باید امکانات ذخیره سازی سیلو و انبار را بیشتر کنیم. خوشبختانه قراردادی در رابطه با صادرات بزرگ سدهزارتنم. قبیل از انقلاب تاکنون بسته شده بود که تا تمام مانده بود و ما آنرا به برادران جهادسازندگی واگذار کردیم.

امروز مایک ارگان متشکل سیلوسازی داریم که حتی میتوانیم در روستاها سیلوهای کوچکتر را تهیه کنیم و یزودی واحدهای سیلوی قم و اراک هم مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. تمام این اقدامات بدون عوض شدن فرهنگ مردم نمیتواند مشکلی را حل کند. پس باید فرهنگ مصرف زدایی را بداخل مردم برد و به آنها فهمانید که هردانه نانی که روزانه می‌خورند و کناره‌های آنرا جمع کرده و به نمک فروش داده و درازایش نمک می‌گیرند و به خیال خود صرفه جویی میکنند. هردانه نان به چه قیمتی تمام میشود و چقدر مارا وابسته میکند. چقدر سیلوها کارگرانی را بیمار کرده و از همه مهمتر ۴۰ میلیاردریال سوبسیدی که ما سالانه برای ارزان شدن نان پرداخت میکنیم.

رسانه‌های گروهی باید اسراف و تبذیری را که در مورد مصرف نان بدلیل ارزان بودن قیمت آن صورت می‌گیرد، برای مردم مطرح کنند. نانوایان باید پخت، صحیح انجام دهند تا نان هدر نشود. آمار

## جهاد

بخصوصی در شمال شهر مبین این موضوع است که حدود ۳۰٪ نان بعلت پخت بد ضایع میشود، این عمل پشت پا زدن به نعمات و کفران نعمت است.

در روستاها آسیابهای آرد، سنگی هستند که گندم را تماماً آرد کرده و به مصرف میرسانند. در حالیکه در شهرها آسیابهای غلتکی مدرن در حدود ۲۵٪ و برای آرد شیرینی و ماکارونی حدود ۵۰٪ گندم را بعنوان سبوس خارج میکنند و به مصرف داده میرسانند تا آرد سفید تهیه شود. این کار علاوه بر کاهش ارزش غذایی نان، سالیانه در حدود ۵۰۰ هزار تن گندم ما را تلف میکند. مابوسیله از بین بردن فن سبوس گیری هم میتوانیم ارزش غذایی نان را بالا برده و هم در وارد کردن گندم صرفه جویی کنیم.

در مورد پرداخت سبوس هم باید بیشتر فکر کنیم چون اگر قرار باشد در این کار «فساد» باشد و سهمیه ای که مامیدهیم هرز رفته و ممکن است درست به مصرف نرسد، و به جای کمک به مشتریان نان شاید

بضررشان کار کنیم.

در واقع این سبوسید به عوض اینکه به مصرف برسد، در جیب عده ای واسطه و معامله گر می رود که حواصه های اضافی را خرید و فروش میکنند و از طرفی به تولید ماضربه میزنند. چون کشاورزی که مبین گندم در شهر با نرخ ۱۲ ریال داده میشود در صورتیکه برای او گرانتر تمام میشود، تحریک به مهاجرت به شهرها میشود.

س: اخیراً آیت الله منتظری در دیدار با برادران جهادگر در مورد سبوسید فرمودند: بجای اینکه سبوسید به شهر تشینان اختصاص داده شود به روستائیان بدهند. اگر این اقدام انجام شود قاعدتاً قیمت مواد غذایی بالا خواهد رفت نظر شما در این مورد چیست؟

ج: همانگونه که ایشان هم فرمودند ما از سال ۵۹، پیشنهادمان را به کمیسیون بازرگانی مجلس دادیم و استدلال کردیم که پرداخت سبوسید در مورد نان

مسئله ساز است و اثرات منفی در تولید ما خواهد گذاشت. کشاورز ما حساب میکند که گندم را ۳۰ ریال تولید کرده و میفروشد ولی شهری آن را به قیمت ۱۲ ریال خریده و نانش در حدود ۲۶ الی ۳۰ ریال میشود. با تمام هزینه های بالای شهر مانند سرفقلی، دستمزد کارگر و... در نهایت اگر حتی کنترل نشود ۴۰ ریال تمام میشود در صورتی که همین نان را که کشاورز خودش هم میبزد، گرانتر تمام میشود. از طرفی اگر ما بخواهیم به روستایی گندم بدهیم، انگیزه های تولید در روستا از بین میرود پس راه حل مابین است که شهر را به روستا ببریم تبعیضات را هم از بین ببریم. لذا صحبت حضرت آیت الله منتظری کاملاً درست است و ما در پی آنیم که به جای پرداخت سبوسید برای مصرف آنرا برای تولید بپردازیم تا کشاورز تشویق شود.

## ماهیان...

آری گفت: همانکه مدرسه را میسازد و... گفتیم آری بهرحال خدا حافظی کردیم با عبدالرحمن که تنها یارمن در این سفر دورودراز بود به قسمت شهر ماهیان رفتیم در آنجا تنها چشمه ده که از آن آب میخوردند سخاوتمندانه جوش میزد و زنها و دخترها مشک به دوش برای بردن آب سرچشمه صف کشیده بودند، لحظه های زیادی سیری میشد که مشک خود را پراز آب نیم گرم میکردند و به دوش میکشیدند. از گودی چشمه به بلندی ماهیان میرسم پس از دیدن این منظره با عبدالرحمن به مدرسه باز گشتم بچه ها یکی یکی دور و بر ما جمع شدند و میخواستند که من آن سرود همیشگی را برایشان بخوانم (خمینی ای امام)، روزها از پس هم در جویبار جاری زمان عبور میکردند و کار مدرسه تقریباً تمام شده بود لحظه خدا حافظی نیز فرا رسید. بود، خورشید از پس کوه ها لبخند زنان بروی چناریان آور میریخت و ما هم وسایلمان را جمع و جور کردیم و بچه ها نیز به مدرسه آمده بودند. ما شین هم آماده حرکت، سکوت همه جا را گرفته بود و من در کوجه بسکوجه خای روزگاری که با این صدایان تاک، در دل میگردیدم در حال گذر بودم که غفور سیرک کوچک با چهره سوخته اما با قلبی روشن پیش من آمد و گفتم سرود خمینی ای امام را بخوان بغض گلو م را گرفته بود.

بچه ها دور ما حلقه زده بودند گویی همه هستی گوش تنده بود و آماده شنیدن و چشم شده بود و آماده دادن شروع کردیم خمینی ای امام... فضای روحانی و زلال آن لحظه هرگز از یادم نمیرود سرود به پایان رسیده بود اما انتظارها هرگز. بچه ها برای خدا حافظی دست میدادند و عبدالرحمن آخرین کسی بود که دست کوچکش میان دستام قرار گرفت حلقه های اشک در چشمهایمان شکل گرفته بود و بغضی ناشناس گلوبان را میفشرد بهرحال سوار بر ماتین شدم و دستهای کوچک به علامت خدا حافظی بالا میرفت و نگاهها منتظرانه به بدرقه ما میآمدند و ما شین ما همچنان کور و کر، لال به راه خود میرفت از آن پس هرگاه و هرجا به چشمه ای و یا به بچه ای و یا به بیمرمردی میرسم یاد چشمه صادق ماهیان بیمرمرد باک آن دیار و عبدالرحمن با چشمهای منتظرش صافتم (والسلام)

## نقش جهاد...

که می توان عنوان نمود محصولات انگور و سیب آذربایجان غربی و اطراف کردستان بود که در سال گذشته به علت عدم وجود جاده ها نتوانست به بازار مصرف برسد و نتیجتاً قیمت این نوع اقلام در شهرهای بزرگی مثل تهران همواره بالا می رود سزینتهای راه علاوه بر بالا بردن درآمد اقتصادی

کشاورز از راه فروش مرفوع محصول و جلوگیری از ضایعات، آمدن دکتر، معلم و خدمات و امکاناتی از جمله ماشین آلات کشاورزی، کود و سم و... و بطور کلی خدمات فرهنگی و بهداشتی و درمانی و کشاورزی است. یعنی با احداث راهها، تحول روستاها نیز آغاز می شود.

سیاستهای بخش راه کمیته عمران بترتیب اولویت زیر است:

- ۱- احداث راههایی که برای منظور کشاورزی - دامپروری و شیلات باشد.
- ۲- احداث راه برای روستاهای محروم با توجه به جهات فرهنگی، اجتماعی و رفاهی آنها.
- ۳- احداث راههایی در خدمت رشد صنایع روستایی
- ۴- استفاده از میراثی برده در احداث و نگهداری راهها.
- ۵- استفاده هر چه بیشتر از سوانیدات داخلی و مصالح موجود محلی.

۶- استفاده از ماشین آلات کرایه ای برای تسریع کار در صورت لزوم.

۷- واگذاری قسمتی از طرح راهسازی به مقاطع کاری تعاونی و یا خصوصی در صورت لزوم، که این امر باعث تسریع اجرای طرح گردیده و از طرفی تغایرتی با خطا شنی جهاد که در رابطه با حاکمیت روح اسلام در احداث و تسبیح برده می باشد، دناشته باشد.